



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۱/۲۰



جليل غنی

حد و حصر آزادی بیان

درنگ کوتاهی بر آنچه در دنیای مجازی و یا بعضی رسانه های الکترونیکی شور بختانه با نا رسائی ها، چه از نگاه املا و انشأ و چه از نظر ترکیبات نا متجانس نا مأنوس و خود ساخته و بکار برد کلمات و حتی جملات مستهجنی بر می خوریم که نمایانگر یک فرهنگ مؤدبانه و غنی که مردم با فرهنگ افغانستان سزاوار آن هستند و گذشته ای پر افتخاری از نیاکان و قلم بدستان و شاعران و ادیبان با افتخار این مرز و بوم و حتی منطقه و جهان دارند، نیست. شکی نیست که جنگ های چهار دهه اخیر همه شیرازه ها را در افغانستان صدمه زده است و فرهنگ و ادب نیز صدمات شدیدی از این نا هنجاری ها دیده است، ولی دلیلی برای معذور داشتن نویسندگان و ادیبان و آنانیکه صلاحیت نوشتن حتی چند سطرى داشته باشند، و یا متصدیان رسانه های گوناگون گروهی، چه صوتی و تصویری و چاپی و چه الکترونیکی، بوده نمی تواند و نگاشتن یک سطر که «نویسنده مسؤل محتوا و نگارش این مضمون است» آنها را بری الزمه نمی سازد. مگر این گردانندگان مسؤلیت گردانندگی این رسانه ها را ندارند؟ هر رسانه ای متعهد به منافع ملی و ارزشهای فرهنگی مکلفیت های بر مبنای سه اصل عمده نشراتی دارد: حمایت و دفاع از منافع ملی، تطبیق و رعایت مراننامه نشراتی و پیروی از موازین و اصول ژورنالیزم. ویراستاری و تصحیح مضامین وارده و حذف کلمات و یا عبارات منافی اصولی که از آن یاد آور شدیم، به معنی سانسور نه بلکه به مفهوم رعایت اصول و مرام نشراتی و تعهد به ژورنالیزم متعهد است. در رابطه با دنیای مجازی فیسبوک و تویتر و یا پیام رسان مسؤلیت مطلق نگارنده هاست و ربطی به رسانه های دیگر ندارد. عدم رعایت ادب و احترام و تعرض بیجا بر دیگران و بکار برد کلمات نا مناسب و مستهجن، هیچ نوع مجاز اصولی و منطقی در ژورنالیزم و هیچ نوشته ای ندارد. یکی از وجایب و مکلفیت های هر گرداننده و ناشر رسانه های همگانی، حفظ و ارتقای زبان و فرهنگ جامعه است. همین رسانه ها هستند که جامعه را از راه روشنگری در جریان وقایع در زمینه های انکشافات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار می دهند و در نتیجه نقش عمده و انکار نا پذیری در سمت دهی افکار عامه و تنویر اذهان و ارتقای زبان و فرهنگ دارند. در جوامع مردم سالار و دموکراتیک، که افغانستان شاید نخستین گام را درین عرصه بر داشته باشد، چنانچه آزادی مطبوعات و نشرات یکی از عمده ترین دست آورد های هجده سال گذشته بوده است، آزادی بیان یکی از ارکان و عناصر اساسی چنین جوامع است. ماده ۳۴ قانون اساسی افغانستان درین رابطه کاملاً وضاحت دارد. آزادی بیان و عقیده مترادف همدگر قرار دارند و یکی از موضوعات عمده ولی پیچیده در هر نظام مخصوصاً نظام های دموکراتیک و مردم سالاریست که جزئی از حقوق اساسی و بشری افراد دانسته می شود. هدف هر دموکراسی تضمین آزادی های فردی به منظور تأمین عدالت اجتماعی است، هر نظام و مرام دموکراتیکی را که فاقد چنین هدفی باشد نمی توان آنرا دموکراتیک خواند. سوابق به رسمیت شناختن حق آزادی بیان و عقیده و تضمین این حقوق، به قرن هفده و هجده میلادی برمی گردد. مفهوم آزادی بیان برای اولین بار در لایحه حقوق مدنی انگلستان در سال ۱۸۶۰ میلادی در سند آزادی بیان در پارلمان (۱) و سند حقوق مدنی اتباع و باشندگان در جریان انقلاب فرانسه در سال ۱۸۶۰ م مسجل شد و بطور اخص آزادی بیان را به حیث حق انفکاک نا پذیرانسان تایید کرد. این اعلامیه می گوید:

" مفاهمه و مکالمه آزاد مفکوره ها و نظریات یکی از با ارزشترین حقوق انسان است. هر تبعه می تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید ولی باید مسؤل سوء استفاده از این آزادی طوریکه در قانون تعریف میگردد، باشد." (۲)

آزادی بیان در ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید، و همچنان در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تضمین گردیده چنین حکم می کند:

" هرکس حق ابراز آزادانه نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا برآن هرکس حق آزادی بیان را دارد این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و نشر هر نوع اطلاعات و نظریات بدون در نظر داشت مرزها، شفاهی، تحریری و یا چاپی، (بشکل آرت) هنر (و یا از طریق هر رسانه دیگری می باشد). تمعيل این حقوق مستلزم وجایب و مسؤلیت های خاص است و بنا بران در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت ها برای احترام

به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه عامه خواهد بود"

- ۱- دیوید سمیت، تاریخ آزادی بیان (۱۶۸۹) و روزنامه گاردین برتانیه ۱۹۴۸
- ۲- آرتور دلبو دایموند، کتابخانه حقوق فاکولته حقوق یونیورسیتی کولمبیا مارچ ۱۹۴۶
- ۳- مصوبه ۴-۳۳۴ ای (مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۴۶ و انفاذ آن در ۳۲ مارچ ۱۹۴۸)

یکی از محدودیت‌هایی که بر آزادی بیان و عقیده وضع گردیده و کشورها مطابق به قوانین و مقررات خود شان متکی بر ارزش‌های عقیدتی و فرهنگی حدود آنرا تعیین می‌کنند، آزادی عقیده است مخصوصاً در کشور های اسلامی که طبق احکام مذهبی قوانین اهانت به اسلام را وضع و آنرا تطبیق می‌کنند و دیده می‌شود که آزادی بیان شاید در بعضی از نظام‌های حقوقی متکی بر مذهب و در بعضی نظام‌های حقوقی لائیک یا غیر مذهبی که اهانت به مذهب تشخیص گردد، محدود ساخته شود مثل مقررۀ عداوت و کینه توزی نژادی و مذهبی که در سال ۱۸۴۸ در برتانیه تصویب شد. ولی تمسک بی مورد و سلیقه‌ای به این اصل نباید وسیله باشد برای محدود ساختن بی مورد آزادی بیان

امروز آزادی بیان و عقیده در قوانین بین‌المللی و منطقوی برسمیت شناخته شده است و در ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده دهم میثاق اروپائی در مورد حقوق بشر، ماده سیزدهم میثاق امریکا در مورد حقوق بشر و ماده نهم منشور افریقا در مورد حقوق مردم و انسان‌ها تثبیت گردیده است. در حالیکه آزادی بیان یک عامل کلیدی در انتشار اطلاعات در زمان معاصر است و می‌تواند یک عامل بالقوه سیاسی هم باشد، نظام‌های استبدادی سیاسی و مذهبی هر دو سعی دارند از تعمیم این حق توسط اتباع شان به هر نحو ممکنه جلوگیری نمایند ولی در عین زمان آزادی بیان به شکل لجام گسیخته آن می‌تواند بر آزادی دیگران اثر داشته باشد. مقوله معروفیست که "آزادی شما در سرحدی پایان می‌یابد که آزادی دیگران آغاز میشود" بدین ترتیب در پیشرفته‌ترین جوامع آزاد و دموکراتیک حق آزادی بیان و عقیده مطلق نیست و محدودیت‌های دارد. حفظ توازن بین حق آزادی بیان از یک طرف و ضرورت امنیت ملی، گفتار و سایر آثار شایسته و با مورد، حقیقت‌گویی و حسن نیت از جانب دیگر، بسیاری اوقات متناقض واقع می‌شود مخصوصاً در نظام‌های مترقی حقوقی. از همان آغازی که مفکوره آزادی بیان و عقیده تحت غور گرفته شد، این درک هم بوجود آمد که این حق معروض به محدودیت‌ها و استثنائات است. اندکی بعد از آنکه تضمیناتی در مورد حق آزادی بیان و عقیده در قانون اساسی فرانسه و ایالات متحده داده شد، محدودیت‌ها هم بر این آزادی بلا درنگ نافذ گردید. بدین ترتیب در فرانسه آنانی که بر ضد انقلاب سخن می‌زدند مورد تهدید و تعجیز قرار می‌گرفتند، زندانی می‌شدند و حتی اعدام می‌گردیدند

در حالیکه در ایالات متحده لایحه‌ای در مورد فتنه جوئی و آشوب‌گری در سال ۱۸۰۶ به تصویب رسید که در آن نشر و نوشتن دروغ، افتضاح آمیز، و بدخواهانه علیه حکومت و یا مأمورین جرم تشخیص گردید. هیچ کشوری در جهان آزادی مطلق بیان و عقیده را به اتباع و باشندگانش اعطا نمی‌کند و اگر چنین آزادی بدون حد و حصر را اعطا کند باشندگانش را در مقابل بدگویی و تهمت حفاظت کرده نمی‌تواند و کشور قادر نخواهد بود اسرار حیاتی را حفاظت نماید. بنا به بعضی اوقات چنین محدودیت‌های ضروری است.

مواردی که محدودیت‌ها شامل آن میشود از این قرار است:

- تشهیر (بدگویی، تهمت و افتراء) تهمت زدن، به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن؛
- بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص؛
- دروغ گفتن در محکمه و بی احترامی به محکمه؛
- بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب و یا ترجیحات جنسی؛
- تخلف از حق طبع و نشر آثار علمی و هنری (کاپی رایت)، علایم تجارتي و افشای اسرار تجارتي؛
- افشای اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه؛
- دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛
- "جنگ لفظی" که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند؛
- بیانات فتنه جویانه، خانانان و تشویق دهشت افگنی؛
- آلودگی صدا؛
- کفر گویی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر عقیده مذهبی یک شخص؛
- توزیع تبلیغات مذهبی در جایی که مجاز نیست؛
- وقاحت و بی حرمتی به مقدسات و انتشار صور قبیحه؛
- سخنرانی بدون اجازه در بعضی جای‌ها؛
- بیانات نژاد پرستانه،
- نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در انترنیت.

البته این محدودیت‌ها منحصر به موضوعات ذکر شده نبوده و هم رعایت آنها از طرف تمام کشورها حتمی نیست

هر کشور و ملت نظر به ارزش های عقیدتی و مذهبی و فرهنگی و مطابق به قوانین و مقررات حاکمه، محدودیت هایی را بر آزادی بیان و عقیده وضع میکند.

بطور مثال هستند موضوعاتی که ممکن در یک جامعه غربی در جمله محدودیت ها بر آزادی بیان و عقیده باشد، مثلا انتقاد از همجنس بازی، ولی در بسیاری جوامع دیگر، مخصوصا در جهان اسلام، نه تنها که انتقاد از چنین عملی مجاز دانسته می شود بلکه با آن طبق قوانین و ارزش های عقیدتی و فرهنگی همان جوامع برخورد می شود. هر نویسنده، گوینده، هنرمند اعم از نقاش و موسیقی دان و یا هر هنر دیگری مکلف به تعميل محدودیت ها و اطاعت از قوانینی می گردد که دولت متبوعه او وضع می کند.

از جمله محدودیت هایی که در بالا از آن یاد شد محدودیت ها بر وقاحت و زشتی و تهمت و بدگوئی، گر چه با در نظر داشت تعریفی که از این دو محدودیت شده قابل بحث بوده است، عملا همیشه بحیث محدودیت بر آزادی مطلق بیان، نافذ بوده است.

یکی دیگر از محدودیت هایی که در کشورهای اسلامی شدیداً تعقیب می شود انتقاد از اسلام است و براساس قانون کفرگوئی و اهانت به اسلام مورد مجازات دانسته می شود. همچنان کوشش برای تغییر عقیده دادن یک فرد مسلمان به دین دیگری نیز در کشورهای اسلامی جرم پنداشته می شود. حتی در کشورهای غربی، جنبش های جدید مذهبی اکثراً با محدودیت هایی در زمینه تغییر عقیده مذهبی افراد مواجه می شوند و بعضی اوقات در کوشش ها برای تغییر عقیده افراد به مجبور ساختن و تهدید نمودن افراد متهم می گردند و مجرم پنداشته می شوند. با نظر گذرایی بر سیر تحول حق آزادی بیان و عقیده از قرن هفده و هجده به اینطرف که این موضوع مورد بحث قرار گرفت و تضمیناتی هم در قوانین بعضی از کشورها و ملل متحد داده شد، درمی یابیم که این پدیده نیز مانند هر انکشاف مدنی دیگر نه تنها به مشکلات عمده و گسترده مواجه بوده بلکه در بسیاری موارد، حتی همین امروز که در قرن بیست و یکم قرار داریم، هنوز هم جوامع و مللی هستند که نه تنها مردم شانرا از این حق انفکاک نا پذیر محروم کرده اند، بلکه اگر روزنه ای هم برای قایل شدن به این حق موجود گردد، آنرا هم می بندند و مجال تفکر درین زمینه را نمی دهند که دیکتاتوری های سیاسی و مذهبی زیادی را می توان در شرق میانه، کشورهای افریقائی، جنوب و جنوب شرق آسیا نام برد.

اما آنچه که در بعضی از این کشورها دیده می شود نه تنها محدودیت هایی است که از طرف دولت ها و قوانین حاکم بر آن جوامع وضع می گردد، بلکه خود سانسوری ها هم معضل دیگری است که دامنگیر این کشورهاست. این خود سانسوری ها هم ناشی از ترس و هراسی است که قدرتمندان بی مسؤولیت چنین جوامعی ایجاد کرده اند. انتقاد از یکی از این قدرتمندان، مثلا یکی از ملا ها و جنگ سالاری در افغانستان، کفایت می کند که نویسنده و یا ناشر و نطق مورد تعجیز و تخویف قرار گیرد و بعضاً هم دیگر هرگز صدایش را کسی نشنود.

نمونه های زیادی را از این دست در سال های گذشته که مطبوعات و رسانه ها در افغانستان رشد چشمگیری داشته و حق آزادی بیان در قوانین افغانستان تضمین گردیده، دیده و شنیده ایم و لت و کوب کردن و تجاوز بر حقوق خبرنگار در سال های اخیر در افغانستان، با ارائه اسناد موجود است به گفته ای نجیب شریفی رئیس کمیته مصونیت خبر نگاران در سال ۲۰۱۹، یکصد و پنج قضیه خشونت در برابر خبرنگاران ثبت شده که از این میان پنج قضیه قتل و ۱۸ قضیه زخمی شدن خبرنگاران می باشد بر اساس این گزارش در سال ۲۰۱۹ دو خبرنگار از سوی طالبان، یک خبرنگار از سوی داعش و دو خبرنگار دیگر توسط زورمندان کشته شده اند. این در حالی است که بر اساس گزارش کمیته مصونیت خبرنگاران، در سال ۲۰۱۸ هفده خبرنگار و کارمند رسانه ها کشته شده بودند. بر بنیاد آمار نهاد پشتیبان رسانه های آزاد افغانستان یا «نی» در افغانستان ۹۶ تلویزیون، ۱۹۴ رادیو، ۳۰۰ رسانه چاپی و ۱۴ خبرگزاری فعالیت می کنند. (گزارش رادیو آزادی) ولی از جانب دیگر عدم آگاهی کارمندان از مفهوم واقعی آزادی بیان و حساسیت هایی که برخی نشرات و آثار در جوامع انکشاف نیافته ایجاد می کند، موجب آن می گردد که یک نوع بی پروائی به حقوق دیگران و بی احترامی به اعتقادات و مقدسات و ارزش های فرهنگی جامعه صورت بگیرد. برای جلوگیری از چنین حالاتی در جوامعی مثل افغانستان که گام های نخستین را در مسیر طولانی و زمانگیر تشکیل یک جامعه دموکراتیک و قانونمند بر میدارد، لازم است آزادی بیان در نصاب تعلیمی کورس های آموزشی ژورنالیستان گنجانده شود تا ژورنالیست ها مجهز به اطلاعات لازمه جوانب حقوقی آزادی بیان باشند و در رهنمائی و آگاهی دادن به منظور ایجاد یک جامعه بیدار، دموکراتیک و قانونمند نقش متبازر شان را ایفا کرده بتوانند.

با نظر کوتاهی به نشرات بیرون مرزی افغان ها، مخصوصاً نشرات تلویزیونی، می توان گفت که تعدادی از برنامه داران (نه بر نامه ساز چون اکثر آنها فقط برنامه دار هستند نه بر نامه ساز) این دستگاه ها و بعضی رسانه های الکترونیکی هم متأسفانه با استفاده از تعبیر و مفهومی که خود آنها از آزادی بیان دارند، بدون در نظر داشت ارزش های مذهبی، فرهنگی و اعتقادی افغان های مقیم خارج و داخل افغانستان، اظهارات و نشراتی دارند که بی احترامی مستقیم به مقدسات، ارزش های اخلاقی و فرهنگی و تجاوز و تخلف بر حقوق دیگران تلقی شده می تواند و حاوی بکار برد کلمات و عبارات اهانتبار و مستهجن است.

د پانډو شميره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني دليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ